# الگوها و مبانی فکری ـ اعتقادی ـ سیاسی شهدای روحانی مدافع حرم

حجت‎الله جمشیدی [[1]](#footnote-1)

**چکیده**

با پیروزی انقلاب اسلامی، کلیت هویت نظام سیاسی جدید برساخته و نظام جمهوری اسلامی ایران مستقر شد. در نظر بنیانگذار انقلاب اسلامی، اسلام همچون مجموعه و چارچوب کلانی بود که سایر جنبه‎های سیاسی نظام در آن مورد لحاظ قرار می‎گرفت. بدین ترتیب در تحلیل منافع ملی، بی تردید باید اسلامیت نظام را محور و مرکز ثقل این تحلیل تلقی نماییم.

در دنیای امروز، بقای فیزیکی کشورها، دیگر به عنوان مهم‎ترین مسأله موجود مطرح نیست، بلکه نفوذ و حیطه نقش آفرینی از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. در این راستا، نظم دادن به منطقه غرب آسیا برای جمهوری اسلامی یک الزام و ضرورت است، یک انتخاب نیست. بنابراین حضور ایران در سوریه و عراق یک الزام است.

پژوهش حاضر که با روش توصیفی ـ تحلیلی انجام گرفته است، به دنبال یافتن مبانی فکری ـ اعتقادی و مبانی سیاسی حضور روحانیت در کشورهای عراق و سوریه که اصطلاحاً دفاع از حرم نام گرفته، می‎باشد. نتایج پژوهش نشان می‎دهد ارزش‎هایی همچون ترویج دین، جهاد و دفاع از مظلوم جزو مبانی فکری ـ اعتقادی و مسأله امت محوری، صدور انقلاب اسلامی و قاعده نفی سبیل، از مبانی سیاسی شهدای روحانی مدافع حرم به شمار می‎آیند.

**واژگان کلیدی:**

مبانی فکری ـ اعتقادی، مبانی سیاسی، دفاع از حرم، روحانیت.

**مقدمه**

انقلاب اسلامی ایران، عرف نظام بین‎الملل بعد از جنگ جهانی را برهم زد و دو ابرقدرتی را که تصور می‎رفت دشمنی آشتی ناپذیری با هم دارند، به هم نزدیک کرد (جمالی، 1394: 76)، به طوری که نه تنها در دوران شکل‎گیری انقلاب موضع واحدی اتخاذ کردند بلکه بعد از آن هم به ویژه در دوران تجاوز عراق به ایران از هیچ کمکی به او دریغ نورزیدند. این روند تا فروپاشی نظام دو قطبی ادامه داشت (محمدی، 1380: 17).

از جنبه‎ای دیگر، انقلاب اسلامی با اعمال نفوذ فرهنگی و معنوی خود در میان ملت‎های مسلمان منطقه اعم از شیعه و سنی (احمدیان، 1384: 175)، به سازماندهی نیروها، جنبش‎ها و جریانات همسو با انقلاب اسلامی و مخالف با نفوذ و سلطه غرب پرداخته و نیروها و بازیگران محلی و منطقه‎ای جدیدی را در سازمان فضایی و ساختار ژئوپلیتیکی غرب آسیا وارد نموده است. این انقلاب، الهام بخش و منشاء ظهور جنبش‎ها، احزاب و گروه‎های مقاومت فراوانی نظیر حزب الله در لبنان و حماس در فلسطین بوده و هم‎چنین موجب بروز تحولات عمیق و وسیعی در عراق، افغانستان، پاکستان، سوریه، ترکیه، قفقاز، شمال آفریقا و کشورهای حاشیه خلیج فارس گردیده است (سجادی، 1377: 349).

از نگاه فراملی، اهداف انقلاب اسلامی ایران عبارتند از: نفی استعمار و سلطه خارجی؛ حمایت از مسلمانان، مظلومان و مستضعفان؛ گسترش اعتقادات، اندیشه‎ها و فرهنگ اسلامی و تقویت مسلمانان در سراسر عالم؛ تلاش برای تقویت پایه‎های وحدت و انسجام امت اسلامی؛ تلاش برای بیداری و اتحاد مستضعفان در سراسر جهان؛ تذکر و تنبیه متجاوزان به حقوق انسان‎ها در صحنه بین‎المللی؛ تلاش برای تغییر نظام غیرعادلانه حاکم بر جهان و دگرگونی در ساختارهای بین‎المللی برآمده از نظام غیرعادلانه (یزدانی و همکاران، 1392: 253).

در همین راستا می‎توان گفت طی سال‎های اخیر و در پی نفوذ داعش در عراق و سوریه، حضور نیروهای مقاومت به ویژه ایرانیان در این دو کشور، از مبانی فکری، اعتقادی و سیاسی اسلام نشأت گرفته است. به عبارت دقیق‎تر، دفاع از حرم، دفاع از اسلام است هم‎چنان كه ديروز در جنگ رژيم بعث عراق با جمهوري اسلامي، جنگ بين دو كشور نبود و امام بزرگوارمان فرمودند: امروز همه اسلام در برابر همه كفر ايستاده است كه اين جمله را از جمله پيامبر در جنگ احزاب گرفتند. كساني كه به حرم‌هاي اهل بيت در عراق و سوريه تعدي مي‌كنند، با زمين سوريه و عراق كاري ندارند بلكه با اسلام كار دارند، به همين دليل است كه گفته می‎شود دفاع از حرم، دفاع از اسلام است. 40 سال است كه آمريكا و اسرائيل با اسلام مي‌جنگند، يك روز در قالب منافقان داخلي، يك روز در قالب جنگ ۸ ساله، روز ديگر در قالب جنگ اقتصادي، جنگ سياسي، جنگ فرهنگي و امروز هم در قالب جنگ نيابتي. در واقع باید گفت دفاع از حرم، دفاع از ايران اسلامي است زیرا هدف دشمنان محدود به سوريه و عراق نيست بلكه هدف آن‎ها ايران اسلامي است كه روي پاي خود ايستاده است (حجت‎الاسلام و المسلمین ماندگاری در نخستین یادواره شهدای مدافع حرم شیراز، 15 اردیبهشت 1395).

در این زمینه و از جنبه هدایت و الگوسازی، جایگاه روحانیت بی بدیل و غیرقابل انکار است. روحانیت هویتی مستقل از اسلام ندارد، بلکه بخشی کارشناسی و هدایت‎گری آن محسوب می‎شود. حال که اسلام دینی اجتماعی و روحانیت نیز جزئی از اسلام است، به طور طبیعی روحانیت یک نهاد اجتماعی است؛ چون پس از اثبات این حقیقت که رسالت انبیای الهی و امامان معصوم عام و همه جانبه بوده و همه زوایای زندگی فردی و اجتماعی را در برگرفته و قبول این واقعیت که علمای اسلام، جانشینان پیامبر و حجت‎های امام معصوم در میان مردم هستند، جای تردیدی نسبت به اجتماعی بودن روحانیت باقی نمی‎ماند. بر اساس همین جایگاه و رسالت، روحانیت اسلام، به ویژه روحانیت شیعه، هیچ گاه از مردم و جامعه جدا نبوده و بلکه همواره در مسائل و حوادث اجتماعی از پیشگامان بوده است (معصومی، 1390: 40).

اعتقاد نگارنده بر این است که شهدای روحانی مدافع حرم در بین سایر اقشار روحانیت، تأثیری دو چندان دارند. از طرفی، همچون دیگر شهداء الگوی ایثار و از خودگذشتگی هستند و از طرف دیگر، کسوت روحانیت که وظیفه تبلیغ و اشاعه فرهنگ اسلام و انقلاب را بر دوش آن‎ها نهاده است، جایگاهی بی بدیل در شکل‎گیری و ترویج مبانی فکری، اعتقادی و سیاسی دفاع از حرم برای ایشان ایجاد می‎کند.

**روش تحقیق**

این پژوهش از نظر ماهیت، نظری و از نظر روش، توصیفی ـ تحلیلی می‎باشد. اطلاعات به روش کتابخانه‎ای و از طریق مراجعه به کتب و مقالات معتبر علمی ـ پژوهشی با ابزار فیش برداری، بررسی اسناد و مدارک موجود و استخراج داده‎ها از بانک اطلاعاتی و منابع اینترنتی جمع آوری شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

**مبانی فکری ـ اعتقادی شهدای روحانی مدافع حرم**

**تبلیغ دین و نقش روحانیت**

فلسفه وجودی روحانیت نسبت به مردم دو چیز است:

**اول**؛ هدایت و راهنمایی مردم در مسیر الهی در ابعاد مختلف از جمله در زندگی اجتماعی، به مقتضای مأموریت رهبری دینی، واقعیتی که اختصاص به بُعد سیاسی زندگی و دوران برقراری دولت اسلامی هم ندارد، بلکه در طول تاریخ اسلام، به ویژه در عصر غیبت امام زمان  این یک اصل بین روحانیت و مردم حاکم و قوام دین به آن بوده است. در هر زمان، به تناسب سعه حضور دین، رهبری دینی علما و روحانیت نیز به عنوان جزء و تابعی از آن جاری و ساری بوده است. امام خمینی در این خصوص می‎فرمایند: وظیفه روحانیت آن است که مردم را هدایت نموده و راه ببرد.

**دوم**؛ فلسفه وجودی روحانیت نسبت به مردم، حمایت و حفاظت از مردم و حقوق الهی آن‎هاست. وظایف و تکالیف اساسی روحانیت، همچون اجرای حدود، امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با ظلم و ظالم و اجرای عدالت در همین راستاست. بهترین دلیل برای این مأموریت، تاریخ حیات روحانیت است که سرشار از پیشتازی در مبارزات و دفاع از حقوق مردم است (معصومی، 1390: 48).

به دیگر سخن، حیات روحانیت در گرو حضور در میان مردم و برای مردم بودن است. رهبر معظم انقلاب (مدظله‎العالی)، حضور روحانیت در میان مردم را همانند ماهی در آب دانسته و می‎فرمایند: روحانیت باید با مردم زندگی کنند، روحانیت همان ماهی است که در آب زندگی می‎کند. آب، دریای عظیم و متلاطم توده‎ها. ما را نباید از آب خودمان و از دریای متلاطمی که باید در آن شنا کنیم، جدا کنند. اگر جدا کنند، وجود و حیثیتی نخواهیم داشت.. . پس حوزه باید در بین مردم باشد، اگر از مردم منقطع گردد، این مرگ معنوی حوزه است (امام خامنه‎ای، 1375: 193).

در واقع، از جمله اهداف دشمن، منزوی نمودن ارزش‎های دینی و در نهایت خارج کردن دین از صحنه اجتماع است تا بدین ‎وسیله آن چه در سر می‎پرورانند، عملی نمایند. حضرت آیت‎الله العظمی خامنه‎ای با اشاره به این مطلب می‎فرمایند: «سعی همه دشمنان اسلام و شیاطین و طواغیت آن بوده است که بشر را از این حیات طیبه دور کنند.. . به همین جهت امروز بیشترین همت دشمنان و طواغیت، خاموش کردن صدای اسلام است. » معظم له یکی از کارهای دشمنان برای خاموش کردن صدای اسلام را کنار زدن روحانیت از صحنه می‎دانند و در تحلیل این بحث می‎فرمایند: سعی استعمار در تمام عالم اسلام این بود که علمای دین را از بین ببرد و از صحنه خارج کند یا این که هویت واقعی آن‎ها را مخدوش و بی خاصیت کند (غلامی، 1390: 125). امام خمینی در زمینه مسئولیت علما برای معرفی انقلاب فرمودند: آقایان علما و خطبا و دانشمندان محترم با وسائل ممکن، این نهضت مقدس را معرفی نمایند (صحیفه امام خمینی، 1379،ج 10: 62).

همچنین حضرت امام در پیام به مسلمانان جهان و حجاج بیت‎الله الحرام، وظیفه روحانیون را چنین گوشزد کرده‎اند: بر روحانیون محترم و نویسندگان و گویندگان متعهد لازم است که در فرصت‎های مناسب و در محضر مسلمانان از اسلام و انقلاب اسلامی ایران دفاع نمایند و چهره واقعی آن را به جهانیان معرفی کنند (همان، ج 16: 516).

**جهاد**

واژه جهاد و مشتقات آن 35 بار در قرآن آمده است. جهاد در لغت به معنای تلاش کردن و به کار گرفتن نیرو و توان خویش برای تحقق بخشیدن به یک هدف است (مصباح یزدی، 1383: 19). به تلاش توأم با رنج نیز، جهاد گویند (قرشی، 1386، ج2: 77). جهاد یا ظاهری است یا باطنی. جهاد ظاهری با کافر است به وسیله تیغ و جهاد باطنی با نفس است به وسیله قهر (سجادی، 1379، ج1: 664) هم‎چنان که آمده است جهاد به معنای نبرد با دشمن در راه خداست و جهاد با نفس، با خود جنگیدن و خویشتن را از خودسری بازداشتن است (حسینی دشتی، 1385، ج2: 755). آن گاه که زیاده خواهی دشمن، او را به ظلم و ستم و تجاوز به حریم سرزمین اسلامی می‎کشاند، قرآن کریم به منظور دفع فتنه دشمن و خنثی نمودن ستم ستمگران و گرفتن حق و حقوق مسلمانان به جهاد امر می‎نماید. گرچه جنگ برای مردم دشوار و ناخوشایند است، اما خداوند خیر و صلاح جامعه اسلامی را در آن قرار داده است (رستمی نسب و ابراهیمی، 1394: 110).

در حالی که واژه جهاد 35 بار در قرآن تکرار شده است، واژه حرب به معنای جنگ 4 بار تکرار شده است. تفاوت اساسی جهاد و حرب در اصول و روش آن‎هاست. جنگ‎های معمولی برای کسب قدرت و منافع سیاسی و اقتصادی است؛ اما جهاد برای صیانت از دین است. جنگ برای کسب غنیمت است؛ اما در جهاد، مجاهد آن گاه که به درجه رفیع شهادت می‎رسد، خود سهم خدا می‎شود (پارسا، 1385: 54).

امام علی در معرفی پایه‎های ایمان، از جهاد یاد می‎کند (دشتی، 1379: 629). استاد شهید مرتضی مطهری در اهمیت جهاد تصریح می‎کنند که اسلام دینی نیست که بگوید اگر کسی به طرف راست چهره‎ات سیلی زد، طرف چپ را جلو ببر و دینی نیست که بگوید کار خدا را به خدا و کار قیصر را به قیصر وا بگذار و دینی نیست که ایده مقدس اجتماعی نداشته باشد و یا کوشش در راه دفاع یا بسط آن ایده را لازم نشمارد. به گفته ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن، هیچ دینی به اندازه اسلام امت خویش را به سوی قوت و قدرت نخوانده است (مطهری، 1381: 19).

در واقع، اسلام زیر بار ظلم و ستم، تجاوز دشمن رفتن را نمی‎پذیرد و دستور به جهاد دفاعی، برای حریت و استقلال سرزمین خود، دفع فساد تبهکاران، گرفتن حقوق خود و همنوعان، رفع فتنه، عزت اسلام، عدم تمرکز قدرت در دست سلطه طلبان می‎دهد و برای تداوم حاکمیت قانون الهی، شناخت خود و جهاد با نفس و شناخت دشمن و جهاد با آن، تجویز می‎گردد (رستمی نسب و ابراهیمی، 1394: 93).

امام خمینی به تجربه مقاومت در مقابل دشمنان و رسیدن به پیروزی اشاره کرده و فرمودند: تجربه‎ای که ما از دنیا در این سال‎های طولانی داریم این است که مسلمان‎ها ولو این که یک عده کمی باشند، وقتی در مقابل خصم خودشان مقاومت کنند اگر چه خصم آنان ابرقدرت هم باشند، پیروزند. (صحیفه امام خمینی  ، 1379، ج 20: 485).

*در خصوص علت و فلسفه جهاد بر اساس آیات قرآن کریم می‎توان به این موارد اشاره نمود:*

**ایستادگی در برابر ستم ستمکاران:** مسلمانان در شهر مکه سال‎ها مورد آزار و اذیت مشرکان قرار گرفتند تا آن که مجبور شدند از شهر خود به سرزمین مدینه هجرت نمایند. پس از گذشت هفت ماه از هجرت پیامبر اولین آیه که حامل پیام جهاد بود، نازل شد (حسینی دشتی، 1385، ج2: 753) و در این آیه به مسلمانان در برابر ستم ستمگران اجازه ایستادگی و جهاد داده شد.«اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا.. .» (حج: 39).

**عذاب دشمنان به دست مسلمانان:** سنت پروردگار این است که چون قومی به طور کامل فاسد شدند و امیدی به بازگشتشان نبود، مبتلا به عذاب شوند تا ریشه کن گردند و یا این که به وسیله مؤمنان مورد جنگ قرار گیرند و نابود شوند. «به آنان بگو آیا برای ما جز یکی از این دو نیکی را انتظار می‎برید که یا پیروز شویم و غنایمی به دست آوریم و یا مغلوب گردیم و در راه خدا کشته شویم؟ ما نیز برای شما انتظار می‎بریم که خداوند از جانب خودش یا به دست ما گرفتار عذابتان کند، پس منتظر باشید که ما نیز با شما در انتظاریم» (توبه: 52).

**جهاد برای گرفتن حق:** «آن کیفر بر آنان بدان سبب بود که با خدا و رسولش به مخالفت برخاستند» (انفال: 13). کیفر کسانی که به دشمنی با خدا و پیامبرش برخاستند از مصادیق جهاد برای گرفتن حق است. امام علی در نکوهش کوفیان فرمود: برای پیروزی منتظر چه چیزی هستید؟ چرا برای گرفتن حق خود جهاد نمی‎کنید؟ آیا در انتظار مرگ یا ذلت هستید؟ (دشتی، 1379: 343).

**دفع فساد تبهکاران:** اگر خداوند غریزه دفاع را در انسان ننهاده بود و به این وسیله، تجاوز برخی از مردم را با برخی دیگر دفع نکرده بود، سراسر روی زمین را تباهی فرا گرفته بود ولی خداوند صاحب تفضل است و جهانیان را از فضل خود بهره‎مند می‎سازد (بقره: 251).

**دفاع از مظلوم:** در اصل 154 قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است: جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‎داند و استقلال، آزادی و حکومت عدل را حق همه مردم جهان می‎شناسد. بنابراین، در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‎های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‎کند (اصل 154 قانون اساسی).

به اعتقاد رهبر معظم انقلاب اسلامی، ما قصد سیطره‌ بر دنیا نداریم؛ ما قصد رد ظلم نظام‎هاى مستکبر ـ که به ملت‎هاى مسلمان زور می‎گویند ـ و قصد رفع این ظلم را داریم؛ و می‎توانیم این کار را بکنیم (بیانات در دیدار با مسئولین و دست‎اندرکاران حج، 16 شهریور 1393).

هر جا حركت اسلامی است، هر جا دفاع از هویت اسلامی است، هر جا دفاع از مظلوم است، جمهوری اسلامی آنجا حاضر است و حاضر خواهد بود و آمریكا و صهیونیسم و شبكه‌ فاسد سیاسی مستكبرین نتوانستند بر جمهوری اسلامی فائق بیایند و نخواهند توانست (بیانات در دیدار با شرکت کنندگان در اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی، 21 تیر 1391). حكومت اميرالمومنين... در زمينه‌ اقامه‌ عدل، حمايت از مظلوم، مواجهه‌ با ظالم و طرفدارى از حق در همه‌ شرايط، الگويى است كه بايد از آن تبعيت شود. امیرالمومنین برای دفاع از مظلوم، شرط اسلام را نگذاشته است (بیانات در خطبه‎های نماز جمعه 21 رمضان، 16 آذر 1380).

در همین راستا می‎توان گفت، ما صریحاً و علناً به همه گفته‌ایم: ما دست دوستی به سمت همه‌ دولت‎های مسلمان منطقه دراز می‎کنیم؛ ما با دولت‎های مسلمان هیچ مشکلی نداریم. البته روابطمان با بسیاری از همسایه‌ها یعنی اغلب همسایه‌هایمان هم روابط دوستانه و برادرانه است. البته بعضی‌ها هم نزدیک و دور اختلاف دارند، لجاجت می‎کنند، خباثت می‎کنند، البته این هست، لکن از طرف ما بنایمان بر ارتباطات خوب با همسایگان است؛ دولت‎ها و بالخصوص ملت‎ها. ارتباطات کشور ما با ملت‎ها ارتباطات خوبی است. البته اعتقاد ما پایبندی به اصول و مبانی است. ما می‎گوییم بایستی اصول محفوظ بماند. امام بزرگوار ما به برکت پایبندی به اصول بود که توانست انقلاب را پیروز کند و انقلاب را حفظ کند و جمهوری اسلامی را ثبات ببخشد؛ پابند به اصول بود. یکی از اصول، «اَشِدّآءُ عَلَی الکُفّارِ رُحَمآءُ بَینَهُم» است. ما با دشمنان، با استکبار سرِ آشتی نداریم و با برادران مسلمان بنای بر دشمنی و عداوت نداریم؛ بنای بر دوستی و رفاقت و برادری داریم؛ چون معتقدیم باید اَشِدّاءُ عَلَی الکُفّارِ و رُحَماءُ بَینَهُم بود؛ این درس امام بزرگوار ما است؛ این خط مسلم جمهوری اسلامی است. ما در حمایت از مظلوم نگاه به مذهب طرف مقابل نمی‎کنیم و نکردیم؛ خط امام بزرگوار این بود. امام همان رفتاری را که با مقاومت شیعه در لبنان داشت، همان رفتار را با مقاومت سنی در فلسطین [هم‌] داشت؛ بدون هیچ تفاوتی. ما همان حمایتی را که از برادرانمان در لبنان کردیم، از برادرانمان در غزه [هم‌] کردیم؛ بدون هیچ تفاوتی. آن‎ها سنی بودند، این‎ها شیعه‌اند. مسأله برای ما، دفاع از هویت اسلامی است، حمایت از مظلوم است، مسأله‌ فلسطین است؛ امروز در رأس مسائل منطقه‌ مسلمان‎ها مسأله‌ فلسطین است؛ این برای ما مسأله‌ اصلی است. در دشمنی‌هایمان هم فرق نمی‎کند؛ امام بزرگوار مبارزه کرد با محمدرضا پهلوی که شیعه بود به‌حسب ظاهر؛ همان‌طور مبارزه کرد با صدام‌حسین که سنی بود به‌حسب ظاهر. البته نه او شیعه بود، نه این سنی؛ هر دویشان از اسلام بیگانه بودند اما ظاهر این سنی بود، ظاهر او شیعه بود. امام با هر دوی این‎ها یک‌جور مبارزه کرد. مسأله، مسأله‌ سنی و شیعه و مذهب و مانند این‎ها نیست؛ مسأله، مسأله‌ اصول اسلام است: کونوا لِلظّالِمِ خَصمًا وَ لِلمَظلُومِ عَونًا؛ این دستور اسلام است. این راه ما است؛ این خط ما است (بیانات در دیدار با اعضای مجمع جهانی اهل بیت و اتحادیه رادیو و تلویزیون‎های اسلامی، 26 مرداد 1394).

**مبانی سیاسی شهدای روحانی مدافع حرم**

**امت محوری**

امت به مجموعه‎ای از انسان‎ها اطلاق می‎شود که هدف و مقصدی واحد آنان را گرد هم جمع کرده باشد. مرز میان امت‎ها، مرزهای عقیدتی است. همه آنان که بر محور توحید، نبوت و معاد متمرکز شده‎اند، امت واحده اسلامی را تشکیل می‎دهند و از نظر اسلام، امت مهم‎ترین ملاک تقسیم‎بندی جوامع بشری است.

امت در بردارنده معنایی آرمانی و فرامکانی از مفهوم حکومت و حاکمیت سیاسی است، لذا در دیدگاه اسلام و قرآن، موضوعاتی چون سرزمین و مرزهای جغرافیایی اصالت ندارند. اما از سوی دیگر، ضمن پذیرش واقعیات مربوط به زندگی اجتماعی و روابط بین‎المللی، واقعیت و ضرورت سرزمین و مرزهای جغرافیایی را به رسمیت می‎شناسند. عمید زنجانی در این مورد چنین می‎نویسد: «آرمان نهایی اسلام در مورد رابطه و مناسبات انسانی، رسیدن به امت واحد بشری است و نیز در مورد زمین، از میان رفتن مرزهای جغرافیایی و قید و بندهای مرزی و به وجود آمدن کشور واحد جهانی تحت حاکمیت قانون واحد الهی است»(عمید زنجانی، 1373: 147).

به عقیده لمبتون در قلب دکترین سیاسی اسلام، امت و جامعه اسلامی جای دارد که تنها رشته‎های ایمان، آن‎ها را به هم پیوند می‎دهد. مرزهای سیاسی به جز آن‎هایی که دارالاسلام را از دارالحرب جدا می‎کرد، در دیدگاه اسلام اعتباری نداشت. در بعد داخلی، مجموعه‎ای از افراد بود که رشته مذهب آنان را به هم متصل کرده و پیوند می‎داد. در درون جامعه اسلامی و امت، همه مردم جایگاهی مساوی داشتند و هیچ گونه تمایزی در درجات و طبقات در بین نبود؛ بلکه تمایزها در عمل وجود داشت. تشکیلات داخلی امت، بر اساس ایمان دینی مشترک استوار بود. تلاش در جهت صلحی دایمی میان افراد جامعه، فرونشاندن خصومت‎های قومی و قبیله‎ای و اتحاد قبایل مختلف در خانواده‎ای وسیع، سرلوحه امور بود. بافت جامعه نخست از طریق پذیرش و اطاعت شریعت و سپس هر قدرت غیرمذهبی و دنیوی حفظ و معین می‎شود (لمبتون، 1374: 54).

به اعتقاد دورکه‌ایم، ناسیونالیسم زمانی در اروپا شروع به نشو و نما کرد که مذهب رو به افول نمود. اما مذهب در امت اسلامی نه تنها رو به افول نبوده است بلکه از دهه هشتاد به بعد در قلمرو جهان اسلام شاهد و ناظر بازخیزی مجدد آن بوده‎ایم، حتی جریان‎های بنیادگرایی اسلامی در این سه دهه به شدت نسبت به گذشته رو به رشد بوده است و برخی کشورهای اسلامی مانند افغانستان، عراق، پاکستان، عربستان، سوریه، مصر و اردن کانون تولید و بازتولید چنین نگرش‎هایی هستند (زارعی، 1390: 162). به نظر می‎رسد گفته گیبرنا درباره تفاوت جهان اسلام با غرب تا حدود زیادی درست باشد که دنیای غرب فاقد ایدئولوژی‎های جدید است و در جستجوی ملال آور گفتمان‎های سیاسی لازم برای بسیج کردن توده‎هاست که البته به جز ناسیونالیسم، ناکام بوده است ولی اسلام این ظرفیت و توانایی را داشته است که به عنوان منبع ارزش‎های سنتی و جنبش مذهبی رو به رشد که از قدرت تأثیرگذاری اجتماعی و سیاسی زیادی برخوردار است، عرض اندام کند. در نتیجه، شاهد ظهور جامعه‎ای منسجم که دارای سطح بالایی از یکپارچگی در میان اعضای خود است، این یکپارچگی به معنای آمادگی اعضاء برای فداکاری و افزایش حس وحدت اشتراک در میان آن‎هاست (گیبرنا، 1379: 227).

حضرت امام خمینی اساس موفقیت در جهان اسلام را بازگشت امت اسلامی به اسلام راستین دانسته و فرمودند: ما تا به اسلام برنگردیم، مشکلات‎مان سر جای خودش هست. نه می‎توانیم قضیه فلسطین را حلش کنیم و نه افغانستان را و نه سایر جاها را (فرزندی اردکانی، 1392: 212). هم‎چنین، از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی، تا مسلمانان به اسلام با تمام ابعاد آن، که سیاست هم یک بعد بسیار مهم آن است، ایمان نیاورند و سیاست و دیانت‎شان را عین هم و تفکیک نشدنی ندانند، وارد اسلام نشده‎اند. بنابراین، مقدمه تشکیل امت واحده اسلامی، درک صحیح از اسلام و پذیرفتن سیاست به عنوان اسلام است. می‎توان گفت تعابیری مثل اسلام سیاسی که از آن چنین برداشت می‎شود اسلامی وجود دارد که در عین این که اسلام است، سیاسی نیست، دقیق نمی‎باشد و به حتم، اسلام لائیک هم مردود و مطرود است (معینی‎پور و لک‎زایی، 1391: 59).

مرتضی مطهری در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران، ملی گرایی و ملت باوری را در جهان اسلام بدعتی ناپذیرفته دانسته و می‎نویسد: شرط اول اسلام بی‎رنگ بودن، عمومی و انسانی بودن و رنگ یک ملت مخصوص نداشتن است. مقیاس‎های اسلامی، مقیاس‎های انسانی است، نه قومی، نژادی و ملی. اسلام به هیچ وجه خود را در محدوده تعصبات ملی، قومی و نژادی محصور نکرده بلکه با آن‎ها مبارزه کرده است (مطهری، 1364: 77). لازم به ذکر است برجسته نمودن مبانی اعتقادی و ایمانی در مفهوم امت، صرفاً به منظور اشاره به رویکرد فرامکانی علاوه بر رویکرد مکانی در مفهوم امت بوده و هرگز نافی تمایزات سرزمینی و ملی نیست. در واقع، به نظر نمی‎رسد اسلام صرفاً به جهت تأکید بر وحدت اعتقادی، یکسره به نفی چهارچوب‎های جغرافیایی و واحدهای سرزمینی بپردازد و به طور مطلق آن را نادیده انگارد (کامران و واثق، 1389: 198).

طی سال‎های اخیر بیداری اسلامی در جهان عرب، بشارت دهنده تجدید حیات اسلام و تفکر و تمدن اسلامی و عبور از نظم وستفالیایی عالم به نظمی جدید است که تفکر اسلامی، کانون شکل‎گیری و نضج آن است؛ نظمی که پیروزی انقلاب اسلامی در ایران آغاز آن بود و تحولات اخیر در دنیای عرب در امتداد آن قرار دارد. در این میان سؤال این است که هدف نهایی این تحولات و جنبش‎های عظیم با محوریت تفکر اسلامی چیست و در نهایت به چه چیزی باید منجر شود؟ رهبر معظم انقلاب در اولین اجلاس بیداری اسلامی در شهریور 1390، به این سؤال چنین پاسخ دادند: «هدف نهایی را باید امت واحده اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی جدید قرار داد» (معینی‎پور و لک‎زایی، 1391: 52).

از جنبه‎ای دیگر می‎توان گفت طبق دکترین ام‎القری، مطلب اساسی این است که اگر کشوری در میان بلاد اسلامی، ام‎القری و دارالاسلام شد به نحوی که شکست یا پیروزی آن، شکست و پیروزی کل اسلام به حساب بیاید، در آن صورت حفظ ام‎القری بر هر امر دیگری ترجیح می‏یابد (لاریجانی، 1369: 20). در واقع، پس از انقلاب اسلامی، ایران ام‎القری شد و امام خمینی دو مقام را بر عهده گرفتند، رهبری قانونی جمهوری اسلامی و ولایت بر جهان اسلام. هم‎چنین در ارتباط دیالکتیک ام‎القری و جهان اسلام، همه امت باید از ام‎القری دفاع کنند (جعفرزاده بهابادی و خلیلی، 1392: 43). در اندیشه امام خمینی به هنگام دفاع از کشورهای اسلامی، فرقی بین مسلمین و تابعیت اعتباری آنان از حکومت‎های مختلف نیست. ایشان در پاسخ به استفتاء یکی از مسلمانان تبعه لبنان که به ایران مهاجرت کرده است، حضور در جبهه‎های دفاع مقدس را برای تمام مسلمانان مادام که به حد کفایت نرسد، واجب دانسته‎اند و فرقی بین مسلمانان قائل نیستند (واثق و حسینی، 1394: 110).

امام خمینی هم چنین در پاسخ به استفتاء دیگری که می‎پرسد: «آیا نبرد با دشمنان متجاوز، بر مردم همان شهر یا کشور واجب است یا بر همه مسلمین؟» می‎فرمایند: «دفع دشمن متجاوز بر همه مسلمانان جهان واجب کفایی است» (استفتائات امام خمینی ، جلد 1، مسأله 3).

**صدور انقلاب**

نظریه پخش یا اشاعه، یکی از نظریه‎های رایج در باب چگونگی انتشار پدیده‎ها و گسترش ایده‎ها و اندیشه‎ها است که در حوزه‎های مطالعاتی مطمح نظر پژوهندگان است. اشاعه یا پخش عبارت است از فرایندی که بر طبق آن یک امر فرهنگی که مشخصه یک جامعه است، در جامعه دیگری به عاریت گرفته شده و مورد پذیرش قرار می‎گیرد (برزگر، 1382: 42). نظریه پردازان انقلاب، مبحث صدور انقلاب را یکی از مباحث ذاتی انقلاب‎ها می‎دانند، زیرا هر انقلابی که در هر گوشه از دنیا اتفاق بیفتد حتی اگر ایدئولوژی جهان شمولی نداشته باشد، حداقل بر اساس نظریه پخش یا اشاعه بر کشورهای همجوار خود تأثیر خواهد گذاشت و موجب تحرکاتی انقلابی در آن‎ها خواهد شد؛ همان گونه که وقوع انقلاب ایران موجب بروز ناآرامی‎هایی در عراق، بحرین و عربستان در همان روزهای ابتدایی پیروزی انقلاب شد (جمال‎زاده، 1391: 66).

در واقع، از بدو پیروزی انقلاب اسلامی و تأثیر شگرف آن بر معادلات منطقه‎ای و جهانی، سران استکبار از همان ابتدا احساس خطر کردند و برای جلوگیری از سرایت این انقلاب ارزشی به سایر ملت‎ها و کشورها، تمام توان خود را بسیج نمودند. رهبری معظم انقلاب اسلامی در قالب همین طرح دشمن می‎فرمایند: چندی پیش صاحب نظران صهیونیست و غیرصهیونیست آمریکا در جلسه و کنفرانسی دور هم نشستند و گفتند نباید بگذاریم در دنیای اسلام الگوی زنده‎ای به وجود بیاید که برای مسلمانان دیگر سرمشق بشود. این الگو که جمهوری اسلامی و کشور مبارک و مقدس امام زمان و کشور ایمان و کشور جهاد و ایثار است، برایشان خطر مهمی است؛ لذا از اطراف سعی می‎کنند در کار این کشور اختلال کنند (غلامی، 1390: 185).

به عبارت دقیق‎تر، علت اصلی کینه و دشمنی دشمنان نسبت به انقلاب، خوف از صدور انقلاب اسلامی به سایر ممالک جهان است و امام خمینی صراحتاً فرمودند: "مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد" (صحیفه امام خمینی )، 1379، ج21: 28) و نیز در راستای راهبرد صدور انقلاب اسلامی به دنیا فرمودند: "جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه گذاری می‎کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند (همان، 91).

رهبر معظم انقلاب اسلامی در همین راستا معتقدند: تواضع ما در مقابل قدرت‎های بین‎المللی، به خصوص در مقابل آمریکا، اصلاً این‎ها را راضی نمی‎کند. آن چه که آن‎ها را راضی می‎کند، این است که ما از وجود اسلامی خودمان متخلی شویم. چون آن چه که جلوی صدور انقلاب را می‎گیرد، این است. تا حضور اسلامی هست و به هر قوتی که باشد، ما شعاع را در بیرون گسترش می‎دهیم. این، دشمن را ناراضی می‎کند (امام خامنه‎ای، 1390: 38).

لازم به ذکر است، این که ما می‎گوییم انقلاب یک وجهه بین‎المللی و جهانی دارد به این معنا نیست که انقلاب در امور کشورها و ملت‎ها دخالت می‎کند. انقلاب یک پیام، حرف منطقی و یک راه روشن دارد. این راه روشن در مقابل چشم ملت‎هاست. ملت‎ها آن را می‎بینند. اگر بپسندند آن را می‎پذیرند و از آن راه می‎روند. ما هیچ تحمیلی بر ملت‎های دیگر نداریم؛ اما واقعیتی که اتفاق افتاده این است که ملت‎ها این راه روشن را دیده‎اند و شناخته‎اند. تعداد ملت‎هایی که پیمودن این راه را انتخاب کرده‎اند، کم نیست (بیانات در مراسم ششمین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی ، 14 خرداد 1374).

**قاعده نفی سبیل**

یکی از اصلی‎ترین مبانی قرآنی در سیاست حکومت اسلامی، نفی سبیل و استقلال طلبی حکومت‎های اسلامی است. قرآن کریم در آیه 141 سوره نساء می‎فرماید: و خداوند هرگز برای کافران، راهی برای چیرگی بر مؤمنان قرار نداده است. همه این‎ها حاکی از این است که توجه به استقلال و عزت اسلامی، یکی از مهم‎ترین آرمان‎های اسلام، نظام و انقلاب اسلامی است که ریشه‎های آن در قرآن کریم و سنت نبوی و سیره معصومین وجود دارد. حکومت‎ها و کشورهای اسلامی نباید زیر یوغ بیگانگان بروند و باید در تمامی زمینه‎ها، عزت و استقلال خود را حفظ کنند و شایسته است کشورهای اسلامی برای جلوگیری از نفی سبیل، یکدیگر را به اشکال مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و.. . یاری کنند. اندیشمندان و فقهای اسلامی برای حفظ عزت و عظمت مسلمانان با استناد به آیات قرآن کریم و روایات معصومین قاعده فقهی را به عنوان قاعده نفی سبیل تأسیس کرده‎اند. بنابراین، کفار در هیچ زمینه‎ای نمی‎توانند شرعاً بر سرنوشت مسلمانان مسلط باشند. خداوند هرگز برای کافران راه تسلط بر اهل ایمان را باز نگذاشته است (نساء: 141). شاید در قرآن کریم، پس از موضوع جهاد در سیاست خارجی دولت اسلامی، بر هیچ مسأله سیاسی دیگری نظیر نفی ولایت غیر مسلمانان بر مسلمان تأکید نشده باشد. این اصلی مهم و حاکم بر سیاست و روابط خارجی دولت اسلامی با غیرمسلمانان تلقی می‎شود. التزام به این اصل می‎تواند راه نفوذ و سلطه کفار بر مسلمین و ضربه بر استقلال آنان در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی را مسدود نماید (حقیقت، 1387: 118).

از جنبه حقوق بین‎الملل باید گفت، مهم‎ترین مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در اصل 152 قانون اساسی عبارتند از: نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی، دفاع از حقوق همه مسلمانان، عدم تعهد در برابر قدرت‎های سلطه گر و روابط صلح آمیز متقابل با دولت‎های غیر محارب (ملک افضلی، 1391: 69).

آن گونه که پیداست دیدگاه انتقادی ـ اعتراضی امام خمینی نسبت به قدرت‎های سلطه‎گر تا پیروزی انقلاب اسلامی مربوط به کشور ایران بود. اما بعد از آن، بیشتر سخنان و توصیه‎های ایشان به سمت قدرت‎های غربی و شرقی جهان اسلام سمت و سو می‎یابد و به دنبال نفی استبداد داخلی و استعمار خارجی در قلمرو دارالاسلام بود (زارعی و همکاران، 1393: 172).

به عبارت دیگر، به نظر می‎آید جایگاه قاعده نفی سبیل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تنها معطوف به خود نبوده است. بلکه این اصل زمینه‎ای برای دفاع از جهان اسلام و به طور کلی مستضعفان جهان تبدیل شده و در قالب ظلم ستیزی، مبارزه با استکبار جهانی و مواجهه با بی عدالتی‎های موجود در عرصه بین‎المللی نمود می‎یابد. امام خمینی اولین شخصیت فقهی ـ سیاسی در ایران است که خواهان رهایی مستضعفین از زیر یوغ قدرت‎های سلطه‎گر استعماری است. ایشان اظهار می‎دارد: ما از تمام کشورهای زیر سلطه برای به دست آوردن آزادی و استقلال کاملاً پشتیبانی می‎نماییم و به آنان صریحاً می‎گوییم که حق گرفتنی است. قیام کنید و ابرقدرت‎ها را از صحنه روزگار براندازید. من بارها گفته‎ام و هم اکنون نیز هشدار می‎دهم که اگر شرق ستم کشیده و آفریقا به خودشان متکی نباشند، تا ابد گرفتارند (صحیفه امام خمینی، 1379، ج 12: 147).

حضرت آیت‎الله خامنه‎ای، رئیس جمهور وقت جمهوری اسلامی ایران نیز در سال 1366 در مجمع عمومی سازمان ملل ماهیت نظام سلطه جهانی را از نگاه انقلاب اسلامی و نفی سلطه (نفی سبیل) را بر سرنوشت ملل جهان خواستار است. ایشان اظهار می‎دارد: پیام ما به همه ملت‎ها و دولت‎هایی که می‎خواهند مستقل و بی اعتنا به خواست و اراده سلطه‎های بزرگ جهانی بمانند این است که از آنان نترسند و به خود و ملت خود اعتنا کنند. دولت جمهوری اسلامی ایران به پیروی از اصول اعتقادی خود مبنی بر حمایت از مبارزه حق طلبانه ملت‏های مستضعف در برابر مستکبرین از اولین روزهای پیروزی انقلاب، کلیه روابط سیاسی و اقتصادی‎اش با این دولت‎ها را قطع کرد (سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، 31 شهریور 1366).

**نتیجه‎‌گیری**

انقلاب اسلامی ایران، به واسطه ماهیت فراملی و اسلامی از یک‎سو و موقعیت ژئوپلیتیک ایران و منطقه خلیج فارس از سوی دیگر، محیط اطراف و فرامنطقه‎ای خود را تحت تأثیر قرار داده است. قدرت انقلاب اسلامی ایران نه به خاطر قدرت نظامی یا اقتصادی آن، بلکه به خاطر وجه فرهنگی و معنوی آن است. انقلاب اسلامی یک مصداق از مصادیق گفتمان معنویت خواهی در سیاست یا حضور دین در سیاست است.

به اعتقاد رهبر معظم انقلاب، جمهوری اسلامی حرف جدیدی دارد. این حرف نو، عبارت است از مردم و ارزش‎های الهی. این دو باید با هم توأم بشوند و حرکت‎ها و جوامع را شکل بدهند. این حرف ماست. ارزش‎های معنوی و ارزش‎های الهی، همراه با اراده مردم، نه تحمیل بر مردم. این حرف جدید جمهوری اسلامی است که از خود کلمه جمهوری اسلامی هم بر می‎آید. در واقع، مفهوم صدور انقلاب، بازتاب پویایی نظام سیاسی ایران در میان کشورهای اسلامی و نظام بین‎‌الملل است.

اسلام مکتبی الهی ـ اجتماعی است و روحانیت، تداوم بخش اصل الهی رهبری دین و لازمه لاینفک این مکتب بوده و سعه حضور و بروز آن، تابعی از بروز و حضور دین اسلام است. فلسفه وجودی روحانیت، تبلیغ دین و ترویج ارزش‎های
اعتقادی ـ سیاسی اسلام است. روحانیت وجود مستقل از دین ندارد، عامل اساسی پیوند میان روحانیت و دین نیز رسالت مهم و ضروری تبیین و تبلیغ دین است. جهت تحقق این امر مهم، گاهی نیاز به بذل جان و مجاهدت روحانیون در فراسوی مرزهای ایران اسلامی است. مسأله‎ای که طی سال‎های اخیر به بهترین نحو، توسط شهدای روحانی مدافع حرم به منصه ظهور رسید.

**منابع**

1ـ قرآن کریم.

2ـ احمدیان، محمدعلی (1384) خصوصیات جغرافیایی کشورهای اسلامی (ویرایش سوم)، انتشارات سخن گستر.

3ـ برزگر، ابراهیم (1382) نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی، پژوهش حقوق عمومی، شماره 8.

4ـ پارسا، غلامعلی (1385) جوانان در جهاد و شهادت، نشر الف.

5ـ جعفرزاده بهابادی، حسین و خلیلی، محسن (1392) بازنمایی الگوی صدور انقلاب در اندیشه سیاسی رهبر معظم انقلاب اسلامی (1368 تا 1388)، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره 8، پاییز.

6ـ جمال‎زاده، ناصر (1391) قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظریه صدور فرهنگی انقلاب (با تأکید بر بیداری اسلامی در منطقه)، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره 4، پاییز.

7ـ جمالی، علی (1394) تأثیر دستاوردهای فرهنگی دفاع مقدس بر حفظ و استمرار انقلاب اسلامی، دو فصلنامه علمی ـ پژوهشی پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی دانشگاه امام حسین ، سال پنجم، شماره 11، بهار و تابستان.

8 ـ حسینی دشتی، سید مصطفی (1385) معارف و معاریف، جلد 2، انتشارات بنیاد.

9ـ حقیقت، سیدصادق (1376) مسئولیت‎های فراملی دولت اسلامی، نشر مطالعات راهبردی.

10ـ خامنه‎ای، سیدعلی (1375) حوزه و روحانیت در آیینه رهنمودهای رهبر معظم انقلاب، جلد 1، سازمان تبلیغات اسلامی.

11ـ خامنه‎ای، سیدعلی (1390) راهبردهای سیاست خارجی؛ برگرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب، انتشارات انقلاب اسلامی.

12ـ الموسوی خمینی، سیدروح‎الله (1366) استفتائات، احکام دفاع از دین، جلد اول، دفتر انتشارات اسلامی.

13ـ الموسوی خمینی، سیدروح‎الله (1379) صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی .

14ـ دشتی، محمد (1379) ترجمه نهج البلاغه، نشر حضور.

15ـ دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (1389) الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه امام صادق.

16ـ رستمی‎نسب، عباسعلی و ابراهیمی، زینب (1394) بررسی و تبیین جایگاه جهاد به عنوان یکی از مبانی دفاع مقدس در قرآن کریم، نشریه ادبیات پایداری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال هفتم، شماره سیزدهم، پاییز و زمستان.

17ـ زارعی، بهادر (1390) تحلیل تئوری امت در قلمرو جغرافیای سیاسی اسلام، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره 41، شماره 3، پاییز.

18ـ زارعی، بهادر، زینی‎وند، علی و محمدی، کیمیا (1393) قاعده نفی سبیل در اندیشه‎های اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی ـ پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره سی و شش، بهار.

19ـ سجادی، عبدالقیوم (1377) امام خمینی و حرکت‎های اسلامی معاصر، مجله علوم سیاسی، شماره 5.

20ـ عمید زنجانی، عباسعلی (1373) فقه سیاسی (جلد سوم، حقوق بین الملل اسلام)، انتشارات امیرکبیر.

21ـ غلامی، نجفعلی (1390) دشمن شناسی؛ بررسی اندیشه‎های رهبر معظم انقلاب اسلامی، مؤسسه فرهنگی ولاء منتظر .

22ـ فرزندی اردکانی، عباسعلی (1392) درآمدی بر استراتژی صدور انقلاب از منظر امام خمینی (اهداف، ابزار و خط مشی صدور انقلاب)، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، انجمن علمی انقلاب اسلامی ایران، سال دوم، شماره 4، بهار.

23ـ قرشی، سید علی اکبر (1386) قاموس قرآن، جلد 2، چاپ یازدهم، دارالکتب الاسلامیه.

24ـ کامران، حسن و واثق، محمود (1389) تحلیل جغرافیایی از واژه قرآنی امت، فصلنامه جغرافیا، فصلنامه علمی ـ پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، دوره جدید، سال هشتم، شماره 26، پاییز.

25ـ گیبرنا، منتسرات (1379) مکاتب ناسیونالیسم، ترجمه امیرمسعود اجتهادی، نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین‎المللی.

26ـ لاریجانی، محمدجواد (1369) مقولاتی در استراتژی ملی، مرکز ترجمه و نشر کتاب.

27ـ لمبتون، ان. کی. س (1374) دولت و حاکمیت در اسلام، نشر عروج.

28ـ محمدی، منوچهر (1380) انقلاب اسلامی؛ زمینه‎ها و پیامدها، انتشارات دفتر نشر و پخش معارف.

29ـ مصباح یزدی، محمدتقی (1383) جنگ و جهاد در قرآن، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

30ـ مطهری، مرتضی (1364) امامت و رهبری، انتشارات صدرا.

31ـ معصومی، علی (1390) تعامل روحانیت و دولت اسلامی، معرفت سیاسی، سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان.

32ـ معینی‎پور، مسعود و لک‎زایی، رضا (1391) ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از منظر امام خمینی و رهبر معظم انقلاب، فصلنامه علمی – پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، بهار.

33ـ ملک افضلی اردکانی، محسن (1391) مختصر حقوق اساسی؛ آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دفتر نشر معارف.

34ـ واثق، محمود و حسینی نصرآبادی، نرجس سادات (1395) بررسی مفهوم و جایگاه امنیت و دفاع در اندیشه امام خمینی، مجله سیاست دفاعی، سال بیست و چهارم، شماره 94، بهار.

35ـ یزدانی، عنایت‎الله، آقا حسینی، علیرضا و شیخون، احسان (1391) بررسی ابزارها و شیوه‎های صدور انقلاب اسلامی (با تأکید بر اندیشه‎های امام خمینی)، فصلنامه پژوهش‎های انقلاب اسلامی، سال اول، شماره 2.

1. [http://www. iqna. ir](http://www.iqna.ir).
2. [http://www. khamenei. ir](http://www.khamenei.ir).
1. . کارشناس ارشد روابط بین الملل. [↑](#footnote-ref-1)